

نگاهی به اقتصاد فمینیستی

لیلا مصلح

میزان مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی از شاخصه های توسعه از جمله توسعه اقتصادی در جوامع است. با وجود افزایش حضور زنان در عرصه های اقتصادی پس از انقلاب 57 هنوز موانع فرهنگی جدی بر سر راه فعالیت آنها وجود دارد.

در عین حال در منطقه خاورمیانه در مقایسه با سایر مناطق جهان، پایین ترین نرخ فعالیت اقتصادی زنان را داریم. بنابر گزارش یونیسف، صندوق توسعه زنان سازمان ملل، زنان در جهان عرب کمتر از 28 درصد نیروی کار را تشکیل می دهند. و این نشان دهنده شرایط فرهنگی و سیاسی حاکم بر خاورمیانه است که فعالیت های زنان را تحت شعاع قرار می دهد. در بررسی شرایط اقتصادی و دستمزد زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه و بخشی از نیروی کار، زنان در شرایط، از درآمد یکسان با مردان برخوردار نیستند. یکی از این عوامل که در اختلاف درآمد بین مردان و زنان موثر است، تبعیض در پرداخت دستمزد است. چنین تصور می شود که در دوره های رکود و تعدیل ساختاری بر تعداد کارگران زن افزوده شده باشد و به میزانی که مردان شغل خود را در بخش وسیعی از دست داده اند، زنان مجبور بوده اند برای بقای خانواده در بخش غیر رسمی کار کنند.

در عین حال به دلیل شرایط ویژه زنان در موارد خاصی همچون بارداری، به نظر می رسد کارفرما همواره واهمه از دست دادن نیروی کار زن را دارد و با احتساب ضرر ناشی از مرخصی زایمان، دستمزد وی را در نظر می گیرد که در نتیجه درآمد کمتری عاید زن می شود. موقعیت مادری، زنان را در جامعه سرمایه داری در موقعیت ضعیف تری در بازار کار قرار می دهد. با وجود حقوقی چون مرخصی دوران زایمان که میزان آن در کشورهای مختلف متفاوت است، زنان هنوز بخاطر فشار اجتماعی به کارهایی راغب هستند که انعطاف بیشتری در این موارد قائل است. همین مساله بطور اتوماتیک کارهای زنانه را در میان کارهایی با دستمزد پایین تر طبقه بندی میکند.

ارتقاء شغلی برای زنان در موارد متعددی محدود است. بجز مواردی که قرارداد های دائم و ایمن برای کارکنان وجود دارد، بازگشت به کار سابق پس از زایمان تضمین نمی شود. مساله مادری باعث می شود که بسیاری از زنان به کارهای منعطف، نیمه وقت و با دستمزد و مزایای پایین متمایل شوند.

از سوی دیگر سرمایه دار برای افزایش سود و برخورداری از شرایط بهتر برای رقابت مردان کارگر را اخراج میکند و زنان محروم را بجای آنها استخدام میکند. با این کار نه تنها میزان کل دستمزد پرداختی را بسیار کاهش میدهد، بلکه نیروی کاری ای را بکار میگیرد که بخاطر شرایط حقوقی و اجتماعی منعطف و مطیع است. با این حرکت عملاً مقاومت مردان کارگر در مقابل اشتغال زنان را افزایش می یابد.

از سویی پیگو، پرچمدار اقتصاد رفاه، آشکارا می‌گوید که زنان ضعیف‌تر و کمتر از مردان‌اند و از این رو به کار زنان در خانه‌هایشان و تاثیر آن بر اقتصاد ملی علاقه‌مند است. بر اساس همین دیدگاه هم هست که وی معتقد است دستمزد کمتر زنان در مقایسه با مردان، به‌حداکثر رساننده رفاه جامعه است. روشن است این اظهارنظر، از آن‌جا ناشی می‌شود که پیگو مطلوبیت‌ها را مقایسه می‌کند و کاری با مطلوبیت زنان ندارد. محدودیت‌های شغلی زنان باعث می‌شود که عرضه نیروی کار زنان بیشتر از تقاضا شده و کارفرمایان زنانی را استخدام کنند که دستمزد کمتری را مطالبه می‌کنند و این موجب اختلاف دستمزدهای زنان نسبت به مردان شده که نهایتاً منجر به کاهش میل زنان برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی شده است.

در اکثر کشورهای در حال توسعه، زنان 25 درصد بیشتر از مردان کار می‌کنند، ولی حقوق زنان 40 درصد کمتر از مردان است، این تبعیض حتی در کشورهای توسعه یافته البته با شدت کمتری نیز وجود دارد، به عنوان مثال در کشور صنعتی و پیشرفته ای چون ژاپن، بسیار قابل توجه است که دستمزد زنان در مقابل مردان 51 در برابر 100 می‌باشد که نشان دهنده وضعیت بسیار نابرابر میان مردان و زنان است بهترین وضعیت را در بین کشورهای توسعه یافته، سوئد با نابرابری 90 در برابر 100 است که نشان می‌دهد هنوز در جهان دستمزد مساوی با مردان برای زنان وجود ندارد.

در عین حال اقتصاد بی ثبات ایران موقعیت زنان را بیش از مردان تحت الشعاع قرار می‌دهد و آن‌ها را بیش از مردان نگران می‌کند زیرا نرخ بیکاری همواره بالاترین میزان را برای مادران مجرد دارد که این بیکاری یا ناشی از اجبار در انتخاب مشاغل محدود است یا ناشی از تبعیض شغلی.

اقتصاد فمینیستی که از سال 1960 میلادی تعریف شد و اکنون به عنوان بخشی از جنبش فمینیستی در جهان مطرح است، روش‌های اقتصادی مردانه و خارج ساختن زنان از حیطه اقتصاد را زیر سوال می‌برد و به دنبال بهبود وضعیت اقتصادی زنان است. اقتصاد دانان فمینیست زنان را در فعالیت اقتصادی از مردان جدا نمی‌کند بلکه معتقدند اقتصاد دانان زن تجربه‌هایی دارند که اقتصاد دانان مرد ندارند. براساس اقتصاد سنتی زنان به کار خانگی تشویق شده‌اند که ارزان‌ترین و بی‌دردسرتترین شکل تولید است. با این حال زنان بیشترین سهم از مشاغل بدون حقوق دنیا را در اختیار دارند، اما سهمشان از کل نیروی کار جهان بیشتر از سهم آنها در قرن گذشته است. برخی تحلیلگران اقتصادی همچون کوین دالی، معتقدند که اگر زنان بیشتر در مشاغل دارای حقوق استخدام می‌شدند، وضعیت اقتصادی دنیا بهتر از وضع فعلی آن بود.